



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر
نوامبر ۲۰۱۷

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است. عبرانیان ۸:۱۳

در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، هر سه ماه یکبار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر در بهار سال ۲۰۱۶ آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعالیم برادر برانهام و نشان دادن واضح آن تعالیم می‌باشد. این مسولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه نوامبر، سه موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. مراحل مشخص در تربیت کتاب مقدسی کودکان
۲. مقدسین مکاشفه باب ۷ چه کسانی هستند؟
۳. فرزندخواندگی

مراحل مشخص در تربیت کتاب مقدسی کودکان

"و ای پدران! فرزندان خود را به خشم میاورید، بلکه ایشان را به تأدیب و نصیحت خداوند تربیت نمایید." افسسیان ۴:۶

در آخرین مقاله‌ای که نوشتم، در مورد این ضرورت بحث کردم که پدران باید فرزندانشان را تربیت کنند. تذکر جدی این است که فرزندان را عصبانی نکنید. این امر شامل رابطه‌ی شما با آنها می‌شود. متأسفانه در برخی از خانواده‌های مسیحی فرض بر این است که فرزندان باید مطیع بوده و به حقیقت کتاب مقدس آگاه باشند. به این معنی که اگر آنها به کلاس‌های روز یکشنبه‌ی کلیسا می‌روند و در جلسات کلیسا شرکت می‌کنند، بنابراین آنها آگاه هستند. ما آنها را دوست داریم و برای ما عزیز هستند، اما متأسفانه به نوعی تصور می‌کنیم که آنها می‌توانند در جسم اطاعت کنند. اطاعت کردن از کلام خدا در جسم غیرممکن است. ما باید آنها را در کلام خدا تعلیم داده و تربیت کنیم، اما باید درک کنیم که آنها گناهکار هستند. آنها مملو از شرارت، بدی و دروغ هستند. آنها برای مختون شدن قلبشان باید روح القدس را دریافت کنند، آنگاه می‌توانند فرامین خداوند را پیروی کنند.

"حماقت در دل طفل بسته شده است، اما چوب تأدیب آن را از او دور خواهد کرد." امثال ۱۵:۲۲

سلیمان به ما یادآوری می‌کند که حماقت در دل کودک بسته شده است. تنها به این معنی نیست که آنها گاهی اوقات احمقانه رفتار می‌کنند. حماقت در دل آنها بسته شده است. چوب تأدیب است که این را از آنها دور خواهد کرد. بیایید به موضوع تعادل مناسب بپردازیم. ما از سر خشم از چوب تأدیب استفاده نمی‌کنیم. زمانی که فرزندانمان را از روی خشم تصحیح می‌کنیم، «آنها را به خشم می‌آوریم». هیچ چیز

خوبی از تربیت فرزندان از روی خشم در نمی آید. بسیار مهم است که ما فرزندانمان را از روی محبت تصحیح کنیم. خدا ما را تصحیح می کند، چون ما را دوست دارد، نه به این دلیل که عصبانی است. او آنها را که نسبت به آنها خشمگین است، نابود می کند؛ اما کسانی را که دوست دارد، تصحیح می کند. همان طور که کتاب مقدس می گوید: "هر که را من دوست می دارم، توبیخ و تأدیب می نمایم."^۱ از آنجا که حماقت در دل کودک بسته شده است، نمی توانیم فرض کنیم که آنها همه چیز را می فهمند. آنها به اصلاحی دائمی و پایدار نیاز دارند. ما نمی توانیم فقط زمانی که حسش را داریم، آنها را تصحیح کنیم. ما باید این کار را با ثبات انجام دهیم. این کار می تواند بواسطه ی صحبت کردن، متوقف کردن چیزی یا منع کردن او از انجام کارهایی باشد.

ما توسط تنبیه بدنی آنها را تصحیح نمی کنیم، بلکه از این لحظه استفاده می کنیم تا از کتاب مقدس به آنها تعلیم دهیم. اگر آنها دروغ گفتند، آنها را تنبیه کرده و برایشان توضیح می دهیم که خداوند در مورد دروغ گفتن چه احساسی دارد. از برنامه های کتاب مقدس خود استفاده کنید و کلماتی مانند دروغگو، دروغگویان، دروغ، دروغ ها را جستجو کنید. با محبت به آنها نشان دهید که کتاب مقدس چه می گوید. همین مسئله در مورد تعلیم نجابت و تقدس به آنها نیز صادق است. ما از کتاب مقدس به آنها تعلیم می دهیم و پایه و اساس کلام خدا را به آنها نشان می دهیم. این کار فقط وظیفه ی شبان شما نیست؛ این وظیفه ی شما بعنوان پدر یا مادر است. فرض نکنید که آنها می دانند پیغام چیست. من به همه ی والدین توصیه می کنم که پایه های انجیل عیسی مسیح و لزوم تعمید روح القدس را به آنها تعلیم دهند. انجیل چیست؟ تعمید روح القدس چیست؟ چرا نیاز داریم که در آب تعمید یابیم؟ در چه نامی تعمید می یابیم؟

^۱ اشاره به مکاشفه ۱۹:۳

در افسسیان ۴:۶، ما نخست می‌بینیم که باید رابطه‌ای بین محبت و لطافت وجود داشته باشد، نه اینکه فقط تنبیه و خشم وجود داشته باشد. با فرزند خود به معنای واقعی شاد باشید، آنها را دوست داشته باشید، با آنها خوش بگذرانید. ما این کارها می‌کنیم تا فرزندانمان را عصبانی نکنیم. آنها محبت، زمان، علاقه و مراقبت شما را می‌خواهند. بنابراین اینها را به آنها بدهید. و آن‌گونه که رسول مسیح می‌گوید، آنها را بزرگ کنید. این به معنی تربیت کردن آنها و تربیت کردن به معنی تعلیم و راهنمایی کردن آنها است. این مسئولیت بر عهده‌ی پدر است. متأسفم، اما هیچ راه دیگری در این مورد وجود ندارد. این کار وظیفه‌ی معلم کلاس‌های یکشنبه‌ی کلیسا نیست. ما کلاس‌های یکشنبه و معلمانش را دوست داریم و این عالی است، اما این وظیفه‌ی آنها نیست، شما نمی‌توانید در این مورد به آنها اعتماد کنید. کتاب مقدس به پدران فرمان می‌دهد که این کار را انجام دهند.

تربیت یعنی وارد شدن به تأدیب و نصیحت خداوند. تأدیب به معنی آموزش و نظم است و نصیحت به معنی اصلاح کردن است. تربیت باید همراه با آموزش و تنبیه باشد. تنبیه به معنی اصلاح کردن است.

از آنجا که حماقت در دل آنها بسته شده، آنها به آموزش و اصلاح نیاز دارند. یک قدرت ذاتی در کلام خدا وجود دارد و زمانی که در فصل خدا به برگزیدگان تعلیم داده و اعلام شود، بذر خدا را در روح ایشان زنده می‌کند. زمانی که فرزندی از والدینش سرپیچی می‌کند، او از خداوند ناطاعتی کرده و به چوب تأدیب نیاز است. این یعنی که ناطاعتی آنها از والدینشان عواقبی خواهد داشت.

سطح درک کودکان، در هر سنی متفاوت است. همیشه با آموزش داستان‌های مختلف کتاب مقدسی شروع کنید. داستان‌های کتاب مقدسی تصویری را از ذات خدا به بچه‌ها می‌دهد که هرگز از ذهنشان نمی‌رود. بطور مداوم این داستان‌ها را برای آنها بخوانید و کمکشان کنید که چطور می‌توانند در سطح خود آنها را در زندگی خود بکار

گیرند. در اسرع وقت به آنها تعلیم دهید که چگونه با صداقت دعا کنند و بگذارید آنها بطور مداوم شما را در حال دعا کردن ببینند. همان‌طور که بزرگ‌تر می‌شوند، از نیازشان به انجیل به آنها تعلیم دهید و نشان دهید که بر اساس کتاب مقدس، آنها گناهکار هستند. درست زمانی که آنها مرتکب آن گناه می‌شوند، با محبت و لطافت، گناهی را که مرتکب می‌شوند، به آنها نشان دهید. آنها باید بر اساس ده فرمان بدانند که گناهکار هستند و به نجات نیاز دارند. راه حل را به آنها نشان دهید. بر انجیل تأکید کنید، به آنها نشان دهید که عیسی چطور ایشان را نجات می‌دهد. به آنها نشان دهید که فقط ایمان به خون عیسی مسیح در جلجتا است که می‌تواند ایشان را نجات دهد. آنها را متقاعد کنید که آیات مهم کتاب مقدس مانند انجیل یوحنا ۱۶:۳، رومیان ۲۳:۳، رومیان ۶:۲۳، رومیان ۹:۱۰ و اعمال رسولان ۲:۳۸ را حفظ کنند. همان‌طور که انجیل را دریافت می‌کنند و قصد دارند آن را در حالت تعمید آب در زندگی‌شان انجام دهند، اطمینان حاصل کنید که آنها متوجه کارشان باشند. چیزی را به آنها تعلیم دهید و سپس از آنها پرسید. چرا ما نیاز به نجات داریم؟ چرا عیسی بر روی صلیب مرد؟ چرا می‌خواهید تعمید بیابید؟ مطمئن شوید که آنها بدانند تعمید آب آنها را نجات نمی‌دهد، بلکه خون عیسی آنها را نجات می‌دهد.

همین که آنها تعمید یافته و بزرگ می‌شوند، در مورد ملاکی ۴:۵-۶، لوقا ۱۷:۳۰ و دوره‌های کلیسا به آنها تعلیم دهید. ما از مبانی اساسی شروع کرده و سپس به آن تعلیم اضافه می‌کنیم تا آنها بتوانند بخوبی در کلام رشد کنند.

مراحل تربیت کودکان به ترتیب زیر می‌باشند:

۱. جو کامل محبت در خانه
۲. تربیت در قالب آموزش (تعلیم دادن) کلام خدا
۳. تربیت در قالب اصلاح برای ناطاعتی‌شان

مقدسین مکاشفه باب ۷ چه کسانی هستند؟

^۹ و بعد از این دیدم که اینک، گروهی عظیم که هیچ کس ایشان را نتواند شمرد، از هر امت و قبیله و قوم و زبان در پیش تخت و در حضور برّه به جامه‌های سفید آراسته و شاخه‌های نخل به دست گرفته، ایستاده‌اند ^{۱۰} و به آواز بلند ندا کرده، می‌گویند، نجات، خدای ما را که بر تخت نشسته است و برّه را است. ^{۱۱} و جمیع فرشتگان در گرد تخت و پیران و چهار حیوان ایستاده بودند. و در پیش تخت به روی در افتاده، خدا را سجده کردند ^{۱۲} و گفتند، آمین! برکت و جلال و حکمت و سپاس و اکرام و قوت و توانایی، خدای ما را باد تا ابدالآباد. آمین! ^{۱۳} و یکی از پیران متوجه شده، به من گفت، این سفیدپوشان کیانند و از کجا آمده‌اند؟ ^{۱۴} من او را گفتم، خداوندا تو می‌دانی! مرا گفت، ایشان کسانی می‌باشند که از عذاب سخت بیرون می‌آیند و لباس خود را به خون برّه شستشو کرده، سفید نموده‌اند. ^{۱۵} از این جهت پیش روی تخت خدایند و شبانه‌روز در هیکل او وی را خدمت می‌کنند و آن تختنشین، خیمه‌ی خود را بر ایشان برپا خواهد داشت. ^{۱۶} و دیگر هرگز گرسنه و تشنه نخواهند شد و آفتاب و هیچ گرما بر ایشان نخواهد رسید. ^{۱۷} زیرا برّه‌ای که در میان تخت است، شبان ایشان خواهد بود و به چشمه‌های آب حیات، ایشان را راهنمایی خواهد نمود؛ و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. ^{۱۷-۹:۷} مکاشفه

آیا آنها عروس هستند یا باکره‌ی نادان؟

می‌خواهم برخی ویژگی‌های برجسته را مورد بررسی قرار دهم که آشکار خواهد ساخت آنها که هستند. به موقعیتی که آنها در آن قرار دارند، دقت کنید. آنها در مقابل تخت و برّه هستند. سپس، آنها جامه‌های سفید بر تن داشته و شاخه‌های نخل به دست

گرفته بودند. آنها کسانی هستند که از عذاب سخت بیرون آمده و لباس خود را به خون بره شستشو کرده‌اند. آنها جامه‌ی سفید بر تن داشتند، اما نیاز بود که شسته و سفید شوند. آنها پیش روی تخت خدا هستند و شبانه‌روز او را خدمت می‌کنند. حال، بیایید توصیف عروس مسیح را بررسی کنیم.

^۷ شادی و وجد نمایم و او را تمجید کنیم، زیرا که نکاح بره رسیده است و عروس او خود را حاضر ساخته است. ^۸ و به او داده شد که به کتان پاک و روشن، خود را بپوشاند، زیرا که آن کتان عدالت‌های مقدسین است. "مکاشفه ۷:۱۹-۸"

^۹ و یکی از آن هفت فرشته که هفت پیاله‌ی پُر از هفت بلای آخرین را دارند، آمد و مرا مخاطب ساخته، گفت: "بیا تا عروس منکوحه بره را به تو نشان دهم." ^{۱۰} آنگاه مرا در روح، به کوهی بزرگ بلند برد و شهر مقدس اورشلیم را به من نمود که از آسمان از جانب خدا نازل می‌شود، ^{۱۱} و جلال خدا را دارد و نورش مانند جواهر گرانبها، چون یشم بلورین. "مکاشفه ۹:۲۱-۱۱"

حال بیایید توصیف کتاب مکاشفه را درباره‌ی عروس بررسی کنیم. عروس، خود را حاضر ساخت و کتان پاک و روشن به او داده شد. سپس، همسر بره بعنوان اورشلیم آسمانی که جلال خدا را دارد، توصیف می‌شود. او بازتاب حضور خود خداست. بیایید مقایسه کنیم.

مقدسین مکاشفه باب ۷، جامه‌های خود را شستند تا آنها را سفید کنند، در مقابل، کتان پاک و روشن به عروس داده شد. در مکاشفه ۷ آنها پیش روی تخت خدایند و وی را خدمت می‌کنند. می‌خواهم توجه کنید که مکاشفه ۳:۲۱ می‌گوید: "آنکه غالب آید، این را به وی خواهم داد که بر تخت من با من بنشیند، چنان که من غلبه یافتم و با پدر خود بر تخت او نشستم." عروس غلبه می‌کند. عروس بر تخت بره می‌نشیند و مقدسین مکاشفه ۷ پیش روی تخت خدا او را خدمت می‌کنند.

به مقدسین مکاشفه ۷ گفته شد که برّه ایشان را تغذیه کرده و به سمت نهرهای آب حیات هدایت می‌کند. عروس در شهر بزرگی است که مکان سکونت خدا در آن قرار دارد و جلال خدا را دارد.

بیاید به مثال دیگری نگاه کنیم.

"لکن در ساردس اسم‌های چند داری که لباس خود را نجس نساخته‌اند و در لباس سفید با من خواهند خرامید، زیرا که مستحق هستند." مکاشفه ۳:۴

اینجا در دوره‌ی کلیسای ساردس، مسیحیانی را می‌بینیم که لباس خود را نجس نساخته‌اند، به این دلیل که بطور شایسته با خداوند نخرامیده‌اند. آنها مسیحی هستند، اما لباس‌های آنها لکه‌دار شده است. کتان پاک و روشن به عروس داده شده است. کتان پاک تفاوت زیادی با یک لباس سفید دارد. لباس سفید عالی و متبرک است، اما به هیچ وجه به خوبی کتان پاک نیست. ساختن کتان پاک بسیار سخت است و در زمان نگارش کتاب مکاشفه، فقط ثروتمندان می‌توانستند آن را بر تن کنند.

این گروه از مقدسین مکاشفه باب ۷، از طریق خون برّه در دوره‌ی عذاب سخت پاک شده‌اند. این باکره‌ی نادان است.

حال ببینیم برادر برانهام در پیغام «مُهر هفتم» در این مورد چه گفت:

"من او را گفتم، خداوند! تو می‌دانی. (یوحنا این‌ها را نمی‌دانست. می‌بینید؟ هر امت و قبیله و قوم و زبان)... مرا گفت: "ایشان کسانی می‌باشند که از عذاب سخت بیرون می‌آیند و لباس خود را به خون برّه شستشو کرده، سفید نموده‌اند. از این جهت پیش روی تخت خدایند و شبانه‌روز در هیکل او وی را خدمت می‌کنند و آن تخت نشین، خیمه‌ی خود را بر ایشان برپا خواهد داشت. و دیگر هرگز گرسنه و تشنه نخواهند

شد و آفتاب و هیچ گرما بر ایشان نخواهد رسید. زیرا برّه‌ای که در میان تخت است، شبان ایشان خواهد بود و به چشمه‌های آب حیات، ایشان را راهنمایی خواهد نمود؛ و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد."

۱۴۱ حال به موضوع مَهر می‌رسیم. آیا متوجه شدید؟ آنها... نخست با اسرائیل شروع می‌کنیم، سپس به کلیسای پاک شده نگاهی می‌اندازیم، نه عروس، بلکه کلیسای پاک شده از عذاب سخت بیرون آمده است، دل‌های صادق بسیاری از این عذاب سخت بیرون می‌آیند. نه کلیسا، بلکه عروس منتقل شده است. او کلیسا است. سپس متوجه می‌شویم عیسی گفت که آنها چطور مقابل تخت خدا در روز داوری می‌ایستند، تمام آنها. حالا متوجه می‌شویم که این افراد به مَهر خدای زنده مختوم شده بودند. (درست است؟) مَهر خدای زنده چیست؟ نمی‌خواهم احساسات کسی را جریحه‌دار کنم، فقط این را می‌گویم. می‌بینید؟ آیا می‌دانید بسیاری از محققین در این مورد نوشته‌اند و مدعی هستند که این گروه که به خون شسته شده‌اند، در واقع همان عروس می‌باشند؟ آیا می‌دانید که محققین بسیاری مدعی هستند که ۱۴۴,۰۰۰ نفر عروس می‌باشد؟ می‌بینیم که آنها از مکاشفه ۷ آگاه هستند، بین باب ۶ و ۷، جایی که او پاک شده و جامه‌ی سفید به او داده شده بود. حال، او عروس نیست، بلکه کلیسا است، مردم پاکی که فرصت دریافت پیغام را نداشتند، یا به نوعی توسط انبیای کذب کور شده بودند و این فرصت را به دست نیاوردند، با این حال به راستی در قلبشان صادق هستند و خدا از دل آنها باخبر است. آنها در این دوره پاک می‌شوند."

فرزندخواندگی

آیا کلمه‌ی فرزندخواندگی در کتاب مقدس، حامل همان بار معنایی است که امروز مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ آیا تجربه‌ی دیگری در کنار تولد تازه و قیام وجود

دارد که در زمان آخر به عروس داده خواهد شد؟

اصطلاح «فرزندخواندگی» پنج بار در کتاب مقدس استفاده شده است. در رومیان ۱۵:۸، ۲۳ و ۴:۹، غلاطیان ۵:۴ و افسسیان ۵:۱ مورد استفاده قرار گرفته است. در افسسیان ۵:۱۵ و رومیان ۴:۹ کمی به معنای این کلمه اشاره شده است. این کلمه در زبان یونانی «هویوتزیا»^۲ به معنی «جایگزین پسر» می‌باشد. کلمه‌ی «فرزندخواندگی» در انگلیسی به وضوح به معنای «به فرزندی پذیرفتن» است. فرزندخواندگی یعنی «با انتخاب وارد یک رابطه شدن و به طور داوطلبانه (فرزند والدین دیگر) فرزند شخصی را گرفتن». در تاریخ و ادبیات یونان معنای «هویوتزیا» را برای عمل به فرزندی پذیرفتن شخصی در خانواده، در نظر می‌گیرند. الهیدانان متن‌های بسیاری در این مورد نوشته‌اند. خدا ما را که فرزندانش نبودیم، برگرفته و تبدیل به فرزندان می‌کند. آیا کلام خدا نیز همین تصویر را به ما ارائه می‌کند؟ می‌خواهم به متن غلاطیان باب ۴ نگاه کنید تا به وضوح منظورم را درک کنید.

^{۲۴} اما قبل از آمدن ایمان، زیر شریعت نگاه داشته بودیم و برای آن ایمانی که می‌بایست مکشوف شود، بسته شده بودیم. پس شریعت لالای ما شد تا به مسیح برساند تا از ایمان عادل شمرده شویم.^{۲۵} لیکن چون ایمان آمد، دیگر زیر دست لالا نیستیم.^{۲۶} زیرا همگی شما بوسیله‌ی ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا می‌باشید.^{۲۷} زیرا همه‌ی شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر گرفتید.^{۲۸} هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه‌ی شما در مسیح عیسی یک می‌باشید.^{۲۹} اما اگر شما از آن مسیح می‌باشید، هر آینه نسل ابراهیم و بر حسب وعده، وارث هستید.^{۳۰} غلاطیان ۳:۲۳-۲۹

^{۳۱} ولی می‌گویم مادامی که وارث صغیر است، از غلام هیچ فرق ندارد، هر چند مالک همه باشد.^۲ بلکه زیر دست ناظران و وکلا می‌باشد تا روزی که پدرش تعیین

huiothesia ^۲

کرده باشد.^۳ همچنین ما نیز چون صغیر می‌بودیم، زیر اصول دنیوی غلام می‌بودیم.^۴ لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد،^۵ تا آنانی را که زیر شریعت باشند فدیہ کند تا آنکه پسر خواندگی را بیاییم." غلاطیان ۴:۱-۵

پولس می‌نویسد قبل از آنکه به مسیح ایمان آوریم، زیر شریعت بودیم. این کلمه در یونانی «پداگوگ»^۳ است. «پداگوگ» در سنت انگلیسی به معنی دایه است. آنها خادمینی بودند که پدر برای نگاهداری فرزندان به خدمت می‌گرفت، تا ایشان را در کودکی تعلیم داده، در زندگی هدایت کرده و از ایشان مراقبت کند. قانون بعنوان خادمی عمل کرد که حامی و مراقب ما بود. سپس در آیه ۲۶، او می‌گوید که همه‌ی ما به‌وسیله‌ی ایمان در مسیح عیسی، «پسران خدا»^۴ می‌باشیم. اگر ما به مسیح تعلق داریم، بنابراین وارثین وعده هستیم. در باب ۴ آیه ۱ پولس توضیح خود را ادامه می‌دهد. او می‌نویسد: "مادامی که وارث صغیر است،" وارث به معنی شخصی است که رهبری را به ارث می‌برد و کلمه‌ی صغیر در زبان یونانی «نیپوز»^۵ و به معنای «کوچک» است؛ به عبارت دیگر، شخصی که هنوز به سن بلوغ نرسیده است. کلمه‌ی «نیپوز» همچنین به معنای «صحبت نکردن» یا «سکوت» است. به عبارت دیگر، او حق سخن گفتن در موقعیت‌های رسمی را ندارد، هرچند که او مالک همه‌ی خادمین است، ولی همچنان زیر دست ناظران و وکلا خواهد بود؛ تا زمانی که مشخص شود او می‌تواند بعنوان پسر بالغ وارد موقعیتی شود که اختیار خانه‌اش را داشته باشد. این قانون «عناصر جهان» خوانده می‌شود، این القبا می‌باشد. ما زیر اصول دنیوی، غلام بودیم. مسیح آمد تا ما را در موقعیتی قرار دهد که بتوانیم فرزندان بالغ شویم.

pedagogue^۳
huioi^۴
nepios^۵

این واضح است که فرزندخواندگی به معنای مراسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در آن یک بچه تبدیل به مردی با حقوق یک پسر بالغ می‌شود. پولس در مورد وارث صغیر و زمان به کمال رسیدن، صحبت می‌کند. بیایید بررسی کنیم که برادر برانهام در مورد این موضوع چه گفته است.

"بعد پدر او را به خیابان عمومی برد و لباس خاصی به تن او کرد. سپس پدر مراسمی را برگزار کرد و آن پسر را بعنوان فرزندخوانده در خانه پذیرفت. پولس در اینجا می‌گوید: "که ما را از قبل تعیین نمود تا او را پسرخوانده شویم." موسی از پیش در این مورد گفته بود... سپس زمانی که این پسر از آنجا بیرون آمد، دیگر مانند یک خادم، زیر دست ناظر نبود. او رئیس بود. آمین! امیدوارم این موضوع خوب در ذهن شما بنشیند. یک دقیقه دیگر شما را ترک خواهیم کرد.

۴۷ بیایید وارد عمق مسئله شویم. این پسر دیگر زیر دست یک ناظر نبود، بلکه همچون پدرش بود. و پدرش کارهای خاصی را به او داده بود تا انجام دهد. ممکن است پدرش به او گفته باشد: "تو مراقب این زمین باش، این کار را در اینجا انجام بده. مراقب غلامان باش. تو مراقب این و آن باش." او اختیار تام داشت، (آمین!) چون او در این خانواده بعنوان فرزند پذیرفته شده بود. و اسم او بر روی چک، همان اعتبار نام پدرش را داشت.^۶

"اما چون که پسر هستید، خدا روح پسر خود را در دل‌های شما فرستاد که ندا می‌کند، یا آبا، یعنی ای پدر." غلاطیان ۶:۴

این آیه درک ما را نسبت به این موضوع تقویت می‌کند. چون شما «پسر» هستید، خدا روح «پسر خود را» در دل‌های شما فرستاد که ندا می‌کند، یا آبا، یعنی ای پدر. ما تبدیل به

^۶ ۵۵-۱۱۶A، جایگاه ایماندار در مسیح، برادر ویلیام ماریون برانهام

فرزندان نمی‌شویم؛ ما همیشه بواسطه‌ی برگزیدگی، فرزندان خدا هستیم. خدا ما را پیش از بنیاد عالم برگزید. بنابراین ما همیشه فرزندان او هستیم، اما زمانی که به سن بلوغ می‌رسیم، روح‌القدس را دریافت می‌کنیم و در جایگاه پسران (دختران) خدا قرار می‌گیریم.

حال بیاید دو مورد را در رومیان ۸ بررسی کنیم، تا ببینیم چه چیز دیگری از موضوع جایگاه فرزند بالغ دستگیرمان می‌شود.

"از آنرو که روح بندگی را نیافته‌اید تا باز ترسان شوید، بلکه روح پسرخواندگی را یافته‌اید، که به آن ابا، یعنی ای پدر ندا می‌کنیم." رومیان ۸:۱۵

ما روح بندگی را نیافته‌ایم، بلکه روح پسرخواندگی را یافته‌ایم. در اینجا اشاره به دریافت روح «پسرخواندگی» (مانند غلاطیان ۴:۶) بعنوان روح «هوئیوتزیا» می‌باشد. قبل از آنکه بیشتر در مورد این آیه نظر بدهم، می‌خواهم شما را به مورد دوم فرزندخواندگی در رومیان ۸ ارجاع دهم.

"و نه این فقط، بلکه ما نیز که نوبر روح را یافته‌ایم، در خود آه می‌کشیم، در انتظار پسرخواندگی، یعنی خلاصی جسم خود." رومیان ۸:۲۳

ما از قبل روح فرزندخواندگی را دریافت کرده‌ایم، اما در آیه‌ی ۲۳ ما منتظر پسرخواندگی می‌باشیم. این پسرخواندگی در مورد خلاصی جسم سخن می‌گوید. این امر نشان می‌دهد که پسرخواندگی در آینده است. خلاصی بدنمان چیست؟ این زمانی است که این بدن تبدیل می‌شود و زمانی که این فانی به بقا آراسته شود، به شکل بدن جلال یافته مسیح درمی‌آید. ما در زمان تولد تازه، روح فرزندخواندگی را دریافت می‌کنیم و زمانی که بدن غیرفانی خود را دریافت می‌کنیم، فرزندخوانده خواهیم بود. پیش پرداخت فرزندخواندگی هم اکنون به ما داده شده است. ما در روند فرزندخواندگی هستیم. پیش از

بنیاد عالم، زمانی که در ذهن خدا بودیم، به خاطر برنامه‌ی مطلق او، همیشه وارثین خواهیم بود، همچنین بخشی از حیات او. ما در موقعیت فرزندخواندگی نبودیم. ما در تولد تازه وارد موقعیت فرزندخواندگی می‌شویم، با این حال، این عمل آخر نیست. زمانی که ما بدن تبدیل یافته را می‌یابیم، وارد فرزندخواندگی کامل می‌شویم.

از سوی دیگر ما توسط روح‌القدس تربیت شده و تعلیم می‌گیریم تا برای ورود به موقعیت‌مان بعنوان پادشاهان و کاهنین در هزاره آماده شویم. حال او ما را پادشاهان و کاهنین ساخته است، لیکن ما بعنوان پادشاهان و کاهنین وارد هزاره خواهیم شد، در آنجا با عصای آهنین، بر ملت‌ها حکمرانی خواهیم کرد. (مکاشفه ۲:۲۷)

"نمی‌توانیم با او سلطنت کنیم، مگر اینکه با او رنج بکشیم. باید رنج بکشید، تا سلطنت کنید. دلیل آن هم این است که شخصیت هرگز بدون زحمت درست نمی‌شود. شخصیت، یک پیروزی است، نه یک عطا. یک انسان، بدون شخصیت نمی‌تواند حکمرانی کند، چون قدرت بدون شخصیت، شیطانی است. ولی قدرت با سیرت و شخصیت، مناسب حکمرانی است. از آنجا که او می‌خواهد ما حتی در تخت او سهیم باشیم، بر همان اساس که او غالب آمد و بر تخت پدر خود نشست، پس ما باید غالب شویم تا با او بر تخت بنشینیم. مصیبت‌های اندک و موقتی که ما با آنها مواجه می‌شویم، قابل مقایسه با جلال بی‌ظیری که در زمان آمدن او در ما ظاهر می‌شود، نیست."^۷

آیا جدا از تولد تازه و تبدیل بدنمان، تجربه‌ی سومی که در عهد جدید، فرزندخواندگی نامیده می‌شود، وجود دارد؟ گاهی که پیغام‌های برادر برانهام را می‌خوانیم، این‌طور به نظر می‌رسد که گویی مکاشفه‌ی پسران خدا، در زمان‌های آخر و

^۷ شرح هفت دوره‌ی کلیسا، دوره کلیسای اسمیرنا، برادر ویلیام ماریون برانهام

قبل از ربودگی می آید. با این حال، می خواهم شما را به چند نقل قول واضح از نبی خدا ارجاع دهم که نشان می دهد اینچنین نیست. او تعلیم نظم جدید باران آخر را تعلیم نداد.

"حال درختان آن را ندارد، طبیعت آن را ندارد، با این حال ما همراه آنها آه می کشیم، چون هنوز پری فرزندخواندگی را دریافت نکرده ایم. اما شوق آن را داریم، اینکه ما از این دنیا برگزیده شدیم و حال پسران و دختران خدا شده ایم. ما باید چه مردمی باشیم؟ آه، خدای من! وقتی به آن فکر می کنیم... درموردش فکر کنید. حال ما شوق آن را داریم، روح ما برای فرزندخواندگی کامل آه می کشد. ما در حال حاضر اشتیاق آن را داریم، ولی زمانی که روح القدس را دریافت می کنیم، آن فرزندخواندگی کامل و نجات کامل است. آه، چه زیباست! این را دوست دارم. بسیار خوب.

۱۰۸ ما منتظر فرزندخواندگی کامل هستیم. این چه زمانی رخ می دهد؟ در نخستین قیام. این زمانی است که بدن ما از این جسم فرومایه که هستیم، تبدیل می شود و ما بدنی همچون بدن جلال یافته ای او خواهیم داشت. "مانند او خواهیم بود، زیرا او را چنان که هست، خواهیم دید." زمانی که او ظاهر شود، ما همچون او خواهیم شد. ما بدنی مانند بدن او خواهیم داشت، بدنی عظیم و جلال یافته و تمامی مشکلات زندگی در یک لحظه ناپدید می شوند و دیگر وجود نخواهند داشت."^۸

"و نه فقط این، بلکه ما نیز که نویر روح را یافته ایم، در انتظار پسرخواندگی، یعنی خلاصی جسم خود، آه می کشیم. زیرا به نجات، امید داریم؛ لکن چون دیده شد، دیگر امیدی نیست، زیرا اگر کسی آن را ببیند، دیگر چرا به امید آن باشد؟

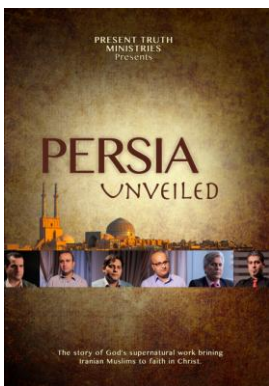
۷۷ اوه، خدای من! اوه، خدای من! آیا این باعث نمی شود تا ما جماعت احساس خوبی داشته باشیم؟ این باید باعث شود همه ی ما احساس خوبی داشته باشیم و در انتظار

^۸ ۶۱-۰۶۱۱، مکاشفه باب ۵، برادر ویلیام ماریون برانهام

این ساعت باشیم. ما می‌دانیم که این در رستاخیز اول اتفاق می‌افتد. می‌بینید؟ طبیعت در حال آه کشیدن است. ما در حال آه کشیدن هستیم. همه چیز در حال آه کشیدن است. چون متوجه می‌شویم که یک چیزی ایراد دارد. و تنها طریقی که می‌توانید آه بکشید و در انتظار آن باشید، بخاطر این است که حیات جدیدی به اینجا وارد شده که صحبت از یک دنیای تازه می‌کند.^۹

من در مقاله‌ی بعدی به تعلیم «پسران تجلی یافته‌ی خدا» خواهم پرداخت، برخی افراد وارد این تعلیم شده‌اند. در حال حاضر، ما این بخش را با موضوع فرزندخواندگی خواهیم بست.

خدمات در خاورمیانه



اگر مایلید در مورد خدمات بشارتی در خاورمیانه، شهادت شخصی من و کار خدا در ایران بیشتر بدانید، کتاب و لوح فشرده‌ی مستند «ایران بی‌نقاب» برای آشنایی بیشتر در دسترس است. شما می‌توانید در ایالات متحده، کانادا، انگلستان، آلمان و استرالیا آنها را در سایت amazon.com یافته و تهیه کنید. اگر در کشور دیگری هستید، می‌توانید از طریق وب‌سایت ptmresources.org نسخه‌ی خود را سفارش دهید.

^۹ E۰۳۱۷-۶۳، تعامل میان هفت دوره‌ی کلیسا و هفت مَهر، برادر ویلیام ماریون برانهام